# 941210-712

**‌‌‌‌‌‌دو‌شنبه – جلسۀ 87**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به این بود که اگر قبل از طواف نساء مرد استمتاع ببرد از زنش به غیر جماع جائز است یا جائز نیست؟

عرض کردیم که صحیحه معاویة بن عمار دلیل هست بر عدم جواز آن؛ چون فرمود رجل قبّل امرأته و قد طاف طواف النساء و لم تطف هی قال علیه دم یهریقه من عنده.

مرحوم آقای خوئی پذیرفت دلالت این صحیحه را بر این‌که طواف نساء تاثیر دارد در جواز استمتاعات؛ چون زن طواف نساء نکرده حضرت فرموده جائز نیست این مرد تقبیل بکند زنش را بشهوة با این‌که خود این مرد طواف نساء کرده تا برسد به جایی که خود این مرد اگر طواف نساء نکرده باشد که بالاولویة استمتاعات بر او حرام خواهد بود. ولی این صحیحه معرض عنه اصحاب است.

ما دیروز عرض کردیم که ما آنچه که می‌فهمیم این است که اصحاب این مسئله را عنوان نکردند نه این‌که عنوان کردند و اعراض کردند از این صحیحه. مراجعه که کردیم دیدیم اتفاقا عنوان هم کردند و شیخ مفید و سلار فتوی دادند بر طبق این صحیحه. منتها این صحیحه را حمل کردند بر فرض اکراه زوج. گفتند مورد این صحیحه جایی است که زوج اکراه کند زوجه‌اش را بر تقبیل.

تعبیر شیخ مفید در مقنعه این است، صفحه 439: اذا قبل المحرم امرأته و قد طاف طواف النساء و هی لم تطف فعلیها دم تهریفه ان کانت أثّرت ذلک منه یا آثرت ذلک منه و ان کان اکرها غرم عنها ذلک. اگر این زوجه‌ای که طواف نساء نکرده خودش آمادگی داشته برای تقبیل زوج، خودش باید شوهر کفاره بدهد. اگر خودش آمادگی نداشته، شوهر او را اکراه کرده باید شوهر کفاره بده.

علامه در مختلف فرموده که ما در این مورد حدیث مروی پیدا نکردیم. یعنی بر این تفصیل بین مکرهة بودن این زوجه و یا غیر مکرهة بودن آن ما حدیثی پیدا نکردیم.

که درست هم هست. اما عرض ما این است که این صحیحه معاویه بن عمار شاید با قرینه حمل شده در کلام شیخ مفید و سلار بر فرض مکرهة بودن زوجه؛ چون می‌گوید علیه دم یهریقه من عنده ظاهرش این است که زن نباید تمکین می‌کرد. زن اگر اختیارا تمکین کرد او گناه کرده و باید کفاره بدهد. اگر اکراهی بوده شوهرش کفاره می‌دهد. البته ما معتقدیم که به اطلاق این صحیحه می‌شود عمل کرد که چه زن مکرهة باشد چه مطاوعه باشد مردش باید کفاره بدهد. اطلاق صحیحه را ما قبول داریم. اما نه این‌که فرمایش شیخ مفید و فرمایش مرحوم سلار قابل گفتن نیست و مستند روایی ندارد.

صاحب جواهر هم وقتی این مطلب را نقل می‌کند می‌گوید لم نجد قائلا بالوجوب. قائلی به وجوب کفاره در این مورد صحیحه معاویه بن عمار پیدا نکردیم. فیحمل علی الندب. حالا قائل پیدا نکردن دلیل می‌شود بر اعراض اصحاب. عرض کردم مفید و سلار قائل شدند منتها حمل کردند بر فرض اکراه زوجه.

[سؤال ... جواب:] این‌که اعراض نیست. توجیه کردند این دو بزرگوار این صحیحه را، حمل کردند بر فرض اکراه زوجه. این‌که اعراض نیست. بقیه هم مطرح نکردند؛ نه این‌که اعراض کردند. هم کلینی نقل کرده این را در کافی؛ هم شیخ این حدیث را نقل کرده در تهذیب. و اصلا خلافش را هم نگفتند. برای چی ما ادعای اعراض بکنیم؟ ... اعراض یعنی عن تعمدِ خلافش فتوی بدهند. مفید و سلار که طبق این فتوی دادند با مقداری توجیه. بقیه هم که مطرح نکردند. ... این صحیحه دارد می‌گوید علیه دم یهریقه من عنده. ... معنون نبود در غیر کلام مفید در مقنعه و سلار در مراسم و علامه در مختلف. علامه در مختلف بله، گفت کفاره ندارد ذیلش هم گفت حدیث مروی در این رابطه ما ندیدیم. حالا شاید هم توجه نشد که این صحیحه معاویه بن عمار هست. صاحب جواهر می‌گوید لم نجد من قال بالوجوب. این اولا درست نیست. مفید و سلار قائل به وجوب هستند منتها با حمل این صحیحه بر فرض اکراه زوجه. بقیه هم که عنوان نکردند نه این‌که اعراض کردند.

لذا ما طبق این صحیحه ما ملتزم می‌شویم که حرام است جمیع استمتاعات قبل از طواف نساء. فقط نظر بشهوة را ما از صحیحه علی بن یقطین خواستیم استفاده کنیم جوازش را؛ چون مرد قبل از طواف و سعی زنش به او گفت اطرحی ثوبک، لباست را در بیاور. فنظر الی فرجها قال لیس به شیء اذا لم یکن غیر النظر. که عرض کردیم عرفی نیست بگوییم نظر به غیر شهوة است. بعید نیست قدرمتیقن و متعارف نظر بشهوة باشد.

اما ممکن است کسی بگوید لیس علیه شیء شاید یعنی لیس علیه کفارة. گناه کرده ولی کفاره ندارد. لیس علیه شیء یعنی لیس علیه کفارة.

ممکن است شما بگویید اطلاق دارد. لیس علیه شیء اطلاق دارد. یعنی حتی استغفار هم بر او لازم نیست. عقاب هم بر او نیست. کفاره هم نیست.

می گوییم اگر اطلاق دارد نسبتش با آن حرُم علیه النساء ما لم یطف للنساء می‌شود عموم من وجه؛ چون این روایت به اطلاقش می‌گوید گناه نیست نظر بشهوة قبل از طواف نساء و الا قابل حمل بر نفی کفاره هست. حرم علیه النساء قبل طواف النساء بالاطلاق می‌گوید هر نوع استمتاع حرام است حتی نظر بشهوة. در مورد حرمت نظر بشهوة می‌شود عموم من وجه. تعارضا تساقطا. آن وقت مرجع می‌شود طبق نظر مشهور استصحاب بقاء حرمت جمیع استمتاعات حتی النظر بشهوة.

این راجع به بحث گذشته.

[سؤال ... جواب:] ظاهر این صحیحه این است که باید مرد کفاره بدهد. علیه دم. ... علیه دم. ما نص را باید ملتزم بشویم. علیه دم یهریقه من عنده. و ما تفصیل شیخ مفید را هم نپذیرفتیم چه این زن مکره باشد چه مطاوع فرقی نمی‌کند در این حکم.

یک مطلبی را عرض کنم قبل از این‌که وارد مسئله 416 بشویم.

آقای سیستانی در رابطه با تزویج قبل از طواف نساء بین حج و عمره مفرده فرق گذاشته. در حج فتوی می‌دهد به جواز تزویج بعد از حلق و تقصیر و قبل از طواف نساء. در عمره مفرده احتیاط واجب کرده که قبل از طواف نساء ازدواجی صورت نگیرد و اگر ازدواجی صورت گرفت باطل است بنا بر احتیاط واجب.

آقای زنجانی فرق نگذاشتند گفتند تزویج چه قبل از طواف نساء حج چه قبل از طواف عمره مفرده صحیح است و لو استمتاعات حرام است.

به نظر می‌آید حق با آقای زنجانی باشد. بعد از این‌که ما از ادله استفاده کردیم که استمتاعات فقط حرام است، تزویج حلال می‌شود، حالا یا بخاطر این‌که از حل لها کل شیء الا فراش زوجها این را استفاده کردیم که فقط استمتاعات حرام است، ازدواج حرام نیست، که آقای زنجانی استفاده کردند یا ما عرض کردیم که بعد از تعارض ادله عموم آیه شریفه محکّم است که تزویج را جائز قرار داده. و الا ادله با هم متعاض هستند: حرم علیه النساء اطلاقش می‌گیرد حرمت تزویج را قبل از طواف نساء ولی حل لها کل شیء الا فراش زوجها یا و لکن لاتقرب النساء و الطیب در مقابل هست که فقط می‌گوید استمتاعات حرام است. اگر تعارض بکنند در مورد ازدواج، یکی می‌گوید فقط استمتاعات حرام است یکی می‌گوید نساء حرام است مطلقا و لو تزویج به این ها. گفتیم بعد از تعاض به عموم من وجه در مورد تزویج رجوع می‌کنیم به اطلاق آیه احل لکم ما وراء ذلکم.

طبق این بیان گفته می‌شود فرقی بین حج و عمره مفرده نیست. چرا آقای سیستانی فرق گذاشته بین حج و عمره مفرده؟

احتمالی که ما می‌دهیم برای این‌که توجیه کنیم کلام آقای سیستانی را و لو فتوی نداد ولی بالاخره در مورد عمره مفرده احتیاط واجب کرد به بطلان ازدواج قبل از طواف نساء ولی در حج فتوی داد به این‌که ازدواج قبل از طواف نساء صحیح است. منشأ این فرق چیست؟

یک احتمال این است که بگوییم این صحیحه فضلاء که می‌گوید که حل لها کل شیء الا فراش زوجها راجع به حج است. دلیل بر جواز تزویج، عموم حل لها کل شیء الا فراش زوجها است؛ و این در مورد حج است. در مورد عمره مفرده نیست. و ما احتمال خصوصیت می‌دهیم بین حج و عمره مفرده.

این یک وجه برای فرمایش آقای سیستانی.

وجه دوم این است که ایشان بفرماید که در مورد حج دلیل داریم که طواف نساء خارج است از حقیقت حج؛ چون در روایات صحیحه تعبیر کردند و طوافٌ بعد الحج و هو طواف النساء. ولی در مورد عمره مفرده نگفتند و طواف بعد العمرة المفردة و هو طواف النساء. و مقتضای ظاهر ادله این است که طواف نساء جزء عمره مفرده هست؛ اما جزء حج نیست. چون جزء عمره مفرده است که نظر مرحوم استاد هم همین بود که طواف نساء در حج جزء حج نیست ولی جزء عمره مفرده هست، گفته می‌شود که طواف نساء نکرده، هنوز در اثناء عمره است. اطلاق دلیل حرمت ازدواج شاملش می‌شود. یا لااقل استصحاب بقاء حرمت ازدواج در حقش جاری است. فرق می‌کند با حج که طواف نساء خارج از حقیقت حج است و طواف و سعی که بکنی از حج فارغ شدی؛ دیگه اصلا مشتغل به حج نیستی.

[سؤال ... جواب:] دو وجه بالاخره می‌شود ذکر کرد برای آقای سیستانی.

وجه اول این بود که صحیحه فضلاء مربوط به حج است. حل لها کل شیء الا فراش زوجها که عموم مستثنی منه می‌گوید جائز است هر چیز غیر از فراش زوج، شامل ازدواج هم می‌شود. پس ازدواج هم جائز است. این صحیحه در مورد حج است. بله، در مورد عمره مفرده نیست. و لکن ما اصل این صحیحه را نپذیرفتیم که در مورد ازدواج بخواهد سخنی بگوید؛ چون فرض بود که این زن شوهر دارد. اصلا بحث ازدواج برای او مطرح نبود. حل لها کل شیء الا فراش زوجها؛ زوج دارد. زنی که زوج دارد که ازدواج نمی‌کند. پس این وجه اول اصلا اشکال دارد.

اما راجع به وجه دوم: بر فرض ما قبول کنیم که طواف نساء در حج خارج از حقیقت حج است و طوافٌ بعد الحج، در عمره مفرده ظاهر ادله این است که صاحب العمرة المفردة المبتولة علیه طواف النساء این است که طواف النساء جزء عمره مبتوله و مفرده است، بر فرض این را بپذیریم که بحثش بعدا می‌آید، این‌که فارق نیست. برای این‌که شما باید ببینید دلیل‌تان بر حرمت ازدواج چیست؟ آن دلیل شامل می‌شود یا نه؟ اگر دلیل استصحاب است که در هر دو مورد استصحاب جاری است. استصحاب بقاء حرمت ازدواج. چه فرق می‌کند. اگر دلیل‌تان اطلاقات است، اطلاقات که موضوعش المحرم لایتزوج است. و قبل از طواف نساء عمره مفرده هم صدق نمی‌کند این آقا محرم است. با حلق و تقصیر در عمره مفرده عرفا محرم نیست.

[سؤال ... جواب:] المحرم لایتزوج.

و لذا این دو وجه برای تفصیل بین عمره مفرده و حج اشکال دارد.

ما خودمان عرض‌مان این بود که مقتضای عموم احل لکم ما وراء ذلکم حلیت ازدواج هست و لو در حال احرام. خرج منه ما قبل حلق و تقصیر؛ چه در عمره مفرده چه در حج. بعد از حلق و تقصیر داخل است در همین عموم احل لکم ما وراء ذلکم. و لذا به نظر ما فرقی بین حج و عمره مفرده نیست.

اما کسانی مثل آقای زنجانی که قبول ندارند این آیه ناظر است به این عناوین عرضیه مثل عنوان محرم، می‌گویند ناظر است به عناوین ذاتیه مثل مادر بودن خواهر بودن، ایشان دلیل‌شان بر جواز ازدواج قبل از طواف نساء چیست؟ حل لها کل شیء الا فراش زوجها که عرض کردیم موردش زن شوهردار است. او را بگذارید کنار.

[سؤال ... جواب:] عقد ازدواج بخواند برای دیگران؟ آن که اشکال ندارد. آن را که ما قبول کردیم. آن که اصلا داخل در حرمة النساء نمی‌شود. عقد ازدواج برای دیگران می‌خواند. خودش ازدواج بکند موردش زن شوهر دار است که خودش ازدواج نمی‌کند.

پس این صحیحه فضلاء اصلا ربطی ندارد به بحث ازدواج قبل از طواف نساء.

صحیحه حلبی و صحیحه هشام هم که می‌گفت ربما اخّرت الطواف و السعی امام فرمود و لکن لاتقرب النساء و الطیب، و لکن نزدیکی نکن با زنان و استعمال طیب نکن. این هم اولا موردش حج است. اشکال آقای سیستانی وارد می‌شود که این موردش حج است این‌که راجع به عمره مفرده نیست.ثانیا: مفهوم حصر ندارد. نمی‌خواهد بگوید فقط جماع با نساء و طیب حرام است. این دو حرام را گفت. دو حرام متعارف را گفت. ازدواج کردن را نگفت. اما ظهوری هم ندارد که پس او حلال است. عرض کردم اگر ظهوری هم داشته باشد موردش حج است. عمره مفرده را شامل نمی‌شود.

و لذا عرض ما این است: اگر آیه شریفه را قبول دارید احل لکم ما وراء ذلکم که شامل حالات عرضیه می‌شود مثل حال محرم بودن و بعد از احرام می‌شود کما هو الظاهر عمده همین آیه است دلیل بر جواز ازدواج بعد از حلق و تقصیر و قبل از طواف نساء. و اگر این آیه را قبول ندارید که عموم ندارد، مقتضای اصالة الفساد این است چه در حج چه در عمره قائل بشوید به این‌که ازدواج قبل از طواف نساء باطل است طبق استصحاب عدم ترتب اثر؛ اصالة الفساد. و اگر زور زدید، لاتقرب النساء و الطیب را گفتید، ظهور در حصر دارد، موردش حج است. اشکال َآقای سیستانی را نمی‌توانید جواب بدهید که مورد این روایات حج است. شامل عمره مفرده نمی‌شود.

[سؤال ... جواب:] الغاء خصوصیت می‌کنید؟ ما چه می‌دانیم خصوصیت چیست.

[سؤال ... جواب:] دلیل‌تان برجواز ازدواج قبل از طواف نساء چیست. فرض این است که قبل از حلق و تقصیر ازدواج حرام است؛ بعد از حلق و تقصیر دلیل‌تان بر جواز ازدواج چیست؟ احل لکم که می‌گویید شامل این عناوین عرضیه نمی‌شود. اطلاقات نکاح همین احل لکم ما وراء ذلکم است. بهتر از این؟ نکند می‌خواهید به آیه فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع تمسک کنید. او که اصلا ناظر است به تعداد زن. بهترین آیه که همین و احل لکم ما ورء لکم است. این را هم که شما قبول ندارید اطلاق و عمومش را. ... شاید خود این عنوان من احرم و لم یطف للنساء خود همین عنوان باشد.

[سؤال ... جواب:] این‌که شما می‌فرمایید صحیحه معاویة بن عمار است که باز این هم در حج است که می‌گوید همه چیز حلال می‌شود با حلق و تقصیر مگر نساء و طیب. طیب با طواف و سعی حلال می‌شود نساء با طواف نساء حلال می‌شود. اگر بگوییم این حرمة النساء که با طواف نساء برداشته می‌شود فقط حرمت استمتاعات را می‌گیرد، حرمت ازدواج را نمی‌گیرد، خب پس می‌گویید اطلاق این روایت هم می‌گوید با حلق و تقصیر در حج همه چیز حلال می‌شود الا نساء. حرمت نساء و طیب می‌ماند. حرمت نساء هم یعنی حرمت استمتاعات نه حرمت ازدواج. باز این در حج است. این در عمره مفرده نیست. شما یک اطلاقی بیاورید برای این‌که طواف نساء در عمره مفرده هم بیاید بگوید حرمت نساء را بر می‌دارد، و با حلق و تقصیر در عمره مفرده بقیه محرمات بر داشته می‌شود. همچون چیزی که ندارید.

و لذا ما برای دفع اشکال آقای سیستانی تنها راه‌مان این است که به آیه تمسک کنیم. اگر آیه را آقای زنجانی اشکال کرد آیه احل لکم ما وراء ذلکم، این روایات همه اش در مورد حج است. الا فراش زوجها که اصلا در مورد حج است و وانگهی عرض کردم موردش این است که زن شوهردار است. بقیه روایت هم موردش حج است. و لکن لاتقرب النساء و الطیب موردش حج است اگر ظهور داشته باشد در مفهوم حصر. که آن هم همین کلام است. و آن صحیحه معاویة بن عمار هم که شما اشاره می‌کنید که می‌گوید همه چیز حلال می‌شود با حلق و تقصیر مگر نساء و طیب، طیب با طواف و سعی حلال می‌شود، نساء با طواف نساء حلال می‌شود، اگر آقای زنجانی بفرمایند این هم ظاهرش این است که ازدواج با حلق و تقصیر حلال شده نساء که حرمتش می‌ماند یعنی حرمت استمتاعات می‌ماند، که ما دیروز اشکال کردیم گفتیم نه؛ حرمت نساء شامل حرمت ازدواج با آن‌ها نمی‌شود. ولی اگر آقای زنجانی بگویند نه؛ ما این را قبول نداریم. باز این روایت در مورد حج است، راجع به عمره مفرده نیست. یا باید مثل ما، احل لکم ما وراء ذلکم را قبول کنید و اگر آن را قبول نکردید، مقتضای قاعده این است که حکم بشود به فساد این عقد ازدواج.

بله، یک بیانی آقای زنجانی دارند تمسک کردند به قاعده حل. بجای اصالة الفساد اصالة الحل را مطرح کردند. که نمی‌دانیم ایشان ملتزم می‌شود حتی در شبهات حکمیه صحت و فساد معاملات رجوع نکنید به اصالة الفساد، کل شیء لک حلال حتی در شبهات حکمیه؟ این در بعضی از کلمات ایشان مطرح شده تمسک به اصالة الحل ولی خیلی بعید است ایشان ملتزم باشد. چون اصالة الحل در شبهات موضوعیه است نه در شبهات حکمیه. آن هم انصراف حل به حل تکلیفی است کما بیناه فی محله.

[سؤال ... جواب:] کی می‌گوید هر عقدی نافذ است مگر دلیلی بر خلاف آن بیاید؟ این را از کجا استفاده کردید؟ ... بالاخره گفته که محرم لایتزوج اما این حرمت ازدواج کی رفع می‌شود؟ روشن نیست. آیا با حلق و تقصیر رفع می‌شود در عمره مفرده یا با طواف نساء؟ بیان نشده. بیان نشده شما چطور حکم می‌کنید به صحت ازدواج بعد از حلق و تقصیر و قبل از طواف نساء؟ گیرم در حج دلیل پیدا کردید، حالا دلیل‌تان الا فراش زوجها بود که به نظر ما تمام نیست. یا و لکن لاتقرب النساء و الطیب بود که مفهوم حصر گرفتید یعنی غیر از قرب نساء و طیب حلال است مطلقا و لو ازدواج با نساء، او هم حلال است که به نظر ما ظهور در مفهوم حصر هم مشکل بود. و یا آن صحیحه معاویة بن عمار را دلیل گرفتید که همه چیز حلال می‌شود با حلق و تقصیر، حرمت نساء می‌ماند و طیب حرمت نساء هم گفتید یعنی حرمت استمتاعات، شامل ازدواج نمی‌شود همه این‌ها راجع به حج است. هیچکدام راجع به عمره مفرده نیست.

[سؤال ... جواب:] بعد از عمره مفرده که حلق و تقصیر کرد... حالا این‌که شما می‌گویید المحرم لایتزوج بعد از حلق و تقصیر و قبل از طواف نساء در عمره مفرده این صادق نیست، ما قبول داریم. حالا آقای زنجانی قبول دارند یا نه، مشهور اشکال می‌کنند به حسب ظاهر می‌گویند این محرم نسبی هست، نساء بر او حرام است. ولی ما عرض کردیم ظهور عرفی این است که این دیگر محرم نیست چون عمده محرمات احرام بر او حلال شد. ولی احتمال نمی‌دهید که حرمت ازدواج مثل حرمت استمتاعات با نساء هنوز باقی مانده باشد؟ این احتمال را نمی‌دهید؟ احتمال می‌دهیم. ... احتمال ثبوتی نمی‌دهید؟ باید یک اطلاق یا عمومی نفی کند این احتمال ما را. همین‌طوری بگوییم این احتمال منتفی است بدون هیچ عمومی بدون هیچ اطلاقی، این‌که نمی‌شود. ... باید به اصالة الصحة تمسک کند کسی که اصالة الفساد را قبول ندارد؟ ... شارع هم وقتی گفت المحرم لایتزوج و عرف احتمال می‌دهد که این حرمت ازدواج با طواف نساء برداشته بشود حداقل در عمره مفرده، باز هم اطلاق مقامی شکل می‌گیرد؟

ما معتقدیم اگر اطلاق آیه محکّم باشد، احل لکم ما وراء ذلکم، خوب است. و الا اگر اطلاق آیه محکم نباشد انصافا اشکال، قوی است. حالا اگر اشکال امام را مطرح کنیم که مطلقا احتیاط واجب می‌کنند در عدم ازدواج قبل از طواف نساء که آن جای خودش که توضیح دادیم که ایشان می‌گویند حرمة النساء شامل ازدواج با نساء هم می‌شود. و این روایات هم هیچکدام دلالت نمی‌کند بر جواز ازدواج. این‌ها را توضیح دادیم. اگر هم دلالت می‌کند تعارض کند تعارضا تساقطا رجوع می‌کنیم به اصالة الفساد. اگر اشکال امام را مطرح نکنیم اشکال آقای سیستانی است که این روایات راجع به حج است عمره مفرده را چرا شما می‌گویید قبل از طواف نساء جائز است، او خلاف احتیاط وجوبی است. و اگر آیه دلیل باشد می‌توانیم جواب بدهیم هم از امام هم از آقای سیستانی. اما اگر آیه دلیل نباشد، انصاف این است که ما نمی‌توانیم جواب در مقابل این اشکال داشته باشیم.

مسئله 416: من کان یجوز له تقدیم الطواف و السعی اذا قدمهما علی الوقوفین لایحل له الطیب. کسی که تقدیم طواف و سعی قبل از وقوفین بر او جائز شد، یک وقت در عرفات عطر نزند، غذای معطر نخورد. چرا؟ برای این‌که آن روایتی که می‌گوید اذا طاف و سعی حل له الطیب طواف و سعی بعد از حلق و تقصیر را می‌گوید. می‌گوید اذا ذبح الرجل و حلق حل له کل شیء الا الطیب و النساء و اذا طاف و سعی یعنی طاف و سعی بعد الحلق و التقصیر، حل له الطیب. و لذا حلیت طیب موضوعش مرکب است از طواف و سعی و حلق و تقصیر، هر دو. پس اگر طواف و سعی قبل از وقوفین بکند صبر می‌کند حلق و تقصیر یوم العید را انجام می‌دهد تا بعد طیب حلال بشود. طواف نساء را هم می‌کند تا نساء حلال بشود.

طواف نساء را اگر کسی مقدم کرد بر وقوفین او هم همین‌طور است. او هم فکر نکند که نساء بر او حلال شد. نه؛ طواف نساء بعد الحج موجب حلیت نساء است. حلق و تقصیر سبب حلیت کل شیء الا الطیب و النساء است. طواف و سعی سبب حلیت طیب است طواف نساء سبب حلیت نساء است. یعنی به ترتیب. اما اگر طواف و سعی را عن عذر مقدم داشت بر وقوفین آنجا هم همین را می‌گوییم، می‌گوییم نساء حلال نمی‌شود باید جزء دیگر حلیت نساء که حلق و تقصیر است و همین‌طور طواف و سعی است بیاید تا این‌ها حلال بشود.

یقع الکلام فی طواف النساء و صلاة الطواف غدا ان شاء الله.